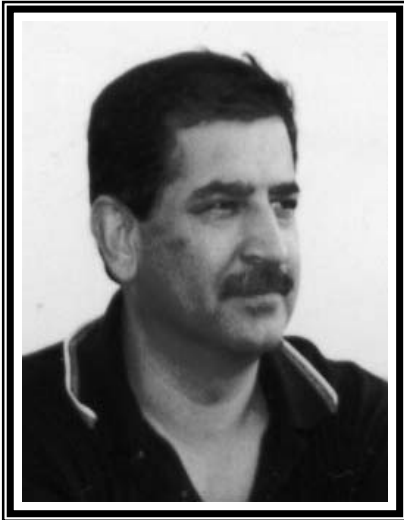


نگاهی به اوضاع جاری در افغانستان



محترم صاحب شکیب ژورنالیست و رزیده و نام رسیدهء رادیو تلویزیون افغانستان که از چهارده سال بدینسو مسوول نشرات دری رادیو SBS در استرالیا میباشد، بعد از بیست و چندسال دوری از وطن و زندگی در مهاجرت، چندی قبل سفری به افغانستان داشت. موصوف بعد از بازگشت به استرالیا چشمدیدها، نقطه نظرها و برداشتهای خود را در رابطه به وضع کنونی کشور در یک مصاحبه رادیویی بیان نمود که سخت طرف توجه افغانان مهاجر در استرالیا واقع شد. این صحبت های محترم شکیب آنقدر مورد توجه افغان های مقیم استرالیا واقع که در هفته بعد شمار زیادی از هموطنان مهاجر در مورد مصاحبه او اظهار نظر نموده و سوال های مطرح کردند. محترم شکیب به سوالات متذکره هم پاسخ داده و اوضاع کنونی وطن را منیحت یک ژورنالیست آگاه، با بیطرفی کامل و بارعایت اصول ژورنالیزم توضیح نمود. چون این مصاحبه و نقطه نظر های محترم شکیب منیحت یک ژورنالیست و تحلیلگر از اوضاع کنونی افغانستان را پراهمیت و جالب تشخیص دادیم، اینک درین شماره گلیبرگ ارروی نوار ثبت شده این مصاحبه را خدمت هموطنان تقدیم میداریم:

جان و مال و ناموس شانرا ندارند و حاکمیت ظالمانه و غیر انسانی شان پایان یافته است .

سوال : نظراتان در بارهء فعالیت های باز سازی و تلاش برای تقویت اقتصاد کشور چیست؟

جواب : متأسفانه تلاشها برای بازسازی بسیار کند است. با اینکه یک مقدار زیاد پول از جانب کشور های جهان کمک شده است و چهار سال از زمان آغاز عملیه بازسازی میگذرد، کارهای عمده ایکه بتوانند رفاه اقتصادی آینده کشور را تأمین کند و کشور را از لحاظ نیاز مندی های تولیدی و عایدات ملی و مخارج بودجوی به پای خود ایستاد کند انجام داده نمی شود. از جمله کارهای زیربنایی بسیار عمده ایکه در طول این چند سال انجام یافته اعمارسرك کابل کندهار ، کابل مزارشريف كندز و کابل و گردیز است . علت اینکه چرا به اعمار سرك کابل کندهار رجحان داده شده است، مبصرین سیاسی منافع استراتیژیک قوای بین المللی به رهبری امریکا را درین امر دخیل میدانند. این استدلال قابل پذیرش و موجه هم است. در کابل هم توجه به سرك سازی بیشتر به جا هایی شده که طرف استفاده نیروهای بین المللی است. یکی از معما ها اینست که کار اعمار سرك میدان هوایی تا مرکز شهر تا هنوز تکمیل نگردیده، در حالیکه اعمار این سرك باید از رجحانات اساسی حکومت میبود. سرك کابل جلال آباد و جلال آباد تورخم فعلاً تحت باز سازی قرار دارد . راه ماهی پر بند است و عراده جات صرف از راه بسیار خراب

آدم احساس میکند که آنها می ترسند ، مبادا حوادث خونین گذشته تکرار شود. اما جای خوشی است که مردم از امنیتی که آمده راضی هستند و مهمتر از همه این بزرگواری را دارند که اکثراً کوشش می کنند تا زخم های ستمگری های گذشته را با ظرافت و قصه هایی درباره ستمگران التیام بخشند و تداوی کنند.

سوال : احساسات مردم در رابطه به تحولات جاری چگونه بود؟

جواب : مردم به صورت عموم بخاطر تأمین امنیت نسبی در مرکز و اکثر نقاط کشور بعلت وجود قوای بین المللی خوش و راضی هستند. به شمار قوای پولیس و اردوی ملی به کمک کشور های جهان روز به روز افزوده می شود . مردم به خاطر عدم ظرفیت استخدام، بیعدالتی در رابطه به استخدام و برخی خویشخوری ها و فساد همه گیر اداری به سختی یک لقمه نان کمایی میکنند. بسیاری از مأمورین دولتی به شمول داکتران جوان با معاش ماهوار دو نیم هزار افغانی معجزه آسا زندگی را می گذرانند و این در شرایطی است که به سختی یک خانهء کهنه و محقر به کرایه ماهوار کمتر از یک ونیم تا دوصد دالر پیدا نمیشود. اما باوصف این مردم بسیار راضی هستند که دیگر دسته های مسلح لجام گسیخته و بیرحم را در کوچه و بازار نمی بینند. دیگر از طرف این افراد که برچسب اسلام و جهاد را به سینه زده بودند تهدید و توهین نمی شوند . این دسته ها دیگر یارای تجاوز به

سوال : محترم شکیب ، شما افغانستان را بعد از دوری تان از آنکشور در طی دو دهه چگونه یافتید؟

جواب : طبعاً کابل در طول این دو دهه با پشت سر گذاشتن جنگهای خونین و حوادث بیشمار بسیار تغییر کرده و طبعاً این حوادث باعث تغییرات و تحولات عمدتاً منفی بوده و کابل دیگر آن کابلی نیست که من میشناختم. در لحظات نخستین بازگشت احساسات و هیجان من که بعد از دو دهه به وطن بازگشته بودم، احساساتی بود مختلط و دو گونه . یک نوع احساس شادی آمیخته با تأثر مرا فرا گرفته بود و به ذهن و حواسم هجوم آورد. نمی دانستم خوش باشم یا ماتم کنم. لبخند بزخم یا اشک بریزم . خوشی بخاطری که زادگاه خود را بعد از بیست و چند سال می بینی و در هر کوچه و پسکوچه این شهر خاطرات خوش ایام طفولیت ، نوجوانی و جوانی ات زنده میشود. هر سنگ و چوب این شهر لحظات رویایی گذشته را در ذهنت تداعی می کند. اشک میریزی به خاطر آنکه می بینی زادگاهت دیگر آن جایی نیست که تو دیده بودی، آن شهردیگرویرانه یی بیش نیست و در چهره مردمانش دیگر آن شور و شغف گذشته ها را نمی یابی. با وصف آنکه با همان گرمی و صفا و صمیمیت سابق ازت پذیرایی میکنند، اما در چهره های شان آثار ترس و بیم آن سالهای جنگ و خشونت به وضاحت خوانده میشود.